در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

چهره

کلایه‌های عمو جعفر سینما

مسعود جعفری جوزانی که به عموی سینمای ایران هم معروف شده است، چند روز قبل در شب بزرگداشتش که از سوی مجموعه «شب‌های بخارا» برگزار شد، به وضع سینمای ایران انتقاد دارد. او معتقد است بعد از ۱۲۰ سال هنوز سینمای ملی ایران به‌عنوان صنعت به‌رسمیت شناخته نشده است: «بهرام بیضایی جایی در این سینما ندارد و مجبور است ناخواسته به آن ور دنیا برود. اخیرا خانه سینما به دلایلی آشکار و پنهان، از اصناف سینمایی از جمله کانون کارگردانان، طراحان صحنه و دیگران خواسته است برای قانونی شدن، صنف خود را در وزارت کار به ثبت برسانند؛ پیشنهادی که همزمان شگفت‌انگیز و سوال‌برانگیز است.»

هیجان انگیز

آتش زیر خاکستر «ماه پیشونی»

شهروند| دقیقا از همان روزی که ترانه «ماه پیشونی» هوروش بند در جشن موسیقی ما به‌عنوان بهترین قطعه پاپ سال ۹۶ از سوی مردم انتخاب شد دوباره داغ خیلی‌ها تازه شد و آتش زیر خاکستر را روشن کرد. پر رنگ‌ترین انتقاد هم در اخبار بیست و سی و از سوی رسانه‌ای مطرح شد که نخستین بار این گروه و خواننده را به مردم معرفی کرده بود. انتقادات جز خوانندگان روانه شورای شعر و ترانه شد؛ اتفاقی که باعث واکنش اعضای این شورا شد.

سعید بیابانکی یکی از همین افراد بود که در توییتر خود نوشت: «شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اگر به ترانه‌هایی امثال هوروش بند مجوز ندهد، متهم می‌شود به سانسور! اگر مجوز بدهد می‌شود مروج ابتذال! شما راهکار ارایه کنید.»

بعد هم رسانه‌ها سراغ عبدالجبار کاکایی رفتند و او با گلایه از ابزاری شدن موسیقی در کشور درباره راهکاری صحبت کرد تا شاید بتوان بازار آشفته موسیقی را تکانی داد: «به نظرم باید روال تغییر کند، من پیشنهادی برای وزارت ارشاد دارم و آن هم این است که شورای شعر تنها به ارزیابی آثار بپردازد و مجوز ندهد، یعنی جلوی انتشار آثار را نگیرد و تنها نمره بدهد و این نمره‌ها با درجه‌بندی الف، ب، ج و د دسته‌بندی شده و ثبت شود مانند ارزیابی که برای فیلم‌ها می‌شود، درنهایت این ارزیابی‌ها در نتیجه کار شرکت‌ها اثر گذار باشد. اگر شرکتی مدام کاری با درجه کیفی دال می‌آورد در پایان سال بسته تنبیهی بگیرد زیرا که باید در طول سال آثاری با درجه کیفی الف داشته باشد و کمکی هم به فرهنگ و موسیقی کرده باشد نه آن که تنها فقط به دنبال برگزاری کنسرت‌های متعدد باشد و خلاف آن شرکتی که کارهای الف داشته بسته تشویقی بگیرد.»

به‌هرحال واقعیت این است که انتخاب مردمی نشان دهنده سلیقه اکثریت جامعه است؛ سطح سلیقه‌ای که جز موسیقی در بسیاری از حوزه‌های دیگر مثل سینما، تئاتر و حتی سبک زندگی هم کاهش پیدا کرده است و احتمالا راهکارهای درون سازمانی مرهمی برای آن نخواهد بود. این بحث بیشتر از آن که فرهنگی باشد اجتماعی است و دست‌اندرکاران به جای انتقاد باید فکری به حال افزایش سطح فرهنگ و سلیقه عمومی جامعه کنند چون در این پروسه بیشتر از مردم و کسانی که از این آب گل آلود ماهی می‌گیرند، مسئولان جامعه هستند که وظیفه برنامه‌ریزی و فرهنگ سازی را برعهده دارند.

خبر

نقاشی‌های شاخص اما ممنوعه

نقاشی‌های شاخص و منحصربه‌فرد «فرانسیس بیکن» و «کلبریل رنار» در موزه هنرهای معاصر کنار تعداد زیاد دیگری از آثار نقاشی به دلیل خط‌قرمزها در حال خاک خوردن است. احسان آقایی، رئیس موزه هنرهای معاصر تهران به ایسنا می‌گوید که این آثار شرایط نمایش در ایران را ندارند: «فرهنگ کشور ما خطوط قرمزی دارد که برخی تصاویر در غرف جامعه پذیرفته شده نیست. اما تعداد کارهای ارزشمند و قابل نمایش در گنجینه زیاد نیست. مابقی کارهایی که در ایران قابل نمایش نیستند، جزو آثار نسخه‌دار هستند که مشابه آنها در کشورهای دیگر وجود دارد و می‌توان با یک جست‌وجوی ساده اینترنتی آنها را دید.»

نخستین سریال ترسناک با پوشش جالب جن و پری

شهروند| سریال احضار که این روزها در فضای مجازی و نیز در دکه‌ها و فروشگاه‌های اقلام فرهنگی عرضه شده و به سهولت در دسترس است، برخلاف انتظاری که از آن وجود داشت، چندان موفق نشده و نتوانسته توقعاتی را به عنوان نخستین سریال ایرانی برآورده سازد. سریالی که قرار بود جای خالی ژانر وحشت را در سبد نمایش خانگی پر کند اما در همین آغازین قسمت به روایت پیشتر دکه‌داران به جایی رسیده که بود و نبود قسمت‌های بعدی‌اش روی هواست؛ با این که در فضای مجازی برخوردهای خوبی با این سریال شده و احضار یکی از پرتکرارترین نام‌ها در روزهای اخیر بوده است.

احضار چیست؟

احضار را رامین عباسی‌زاده به عنوان اولین تلاشش در زمینه کارگردانی ساخته است؛ کارگردانی که البته بیشتر با تهیه‌کنندگی سریال‌هایی چون او یک فرشته بود، سقوط یک فرشته، کت جادویی، پلیس جوان و پردیدنت برای مخاطبان تلویزیون نامی آشناست. سریال‌هایی که حداقل دو تای اول مایه‌های آشکار و نهان وحشت را در خود داشتند و همین هم درصد موفقیت عباسی‌زاده را بالامی برد. اما....

احضار که ادعا می‌کند نخستین سریالی است که در ایران در ژانر وحشت ساخته شده است، داستانی با موضوع اجنه، ارواح و روابط بین این موجودات را روایت می‌کند. البته همان‌گونه که چندی پیش هم نوشتیم خلاصه داستانی که از طرف روابط عمومی سریال منتشر شده است، اشاره‌ای به این مضامین نکرده و تنها اشاره‌ای مبهم به واژه ترس کرده است: «اغلب ترس‌ها با شناخت از بین می‌روند اما ترس‌هایی که تا مرگ ناشناخته می‌مانند، هرگز رهایمان نمی‌کنند.» با این حال چه حرف‌های روابط عمومی را مد نظر قرار دهیم و چه ادعاهای تبلیغاتی احضار را، تفاوتی در این مسأله ایجاد نمی‌شود که این سریال باید در وهله اول بتواند تماشاگرش را برنرساند و تا زمانی که این اتفاق نیفتاده، صحبت از اولین و آخرین سریال ترسناک یا غیر ترسناک بی‌معنا به نظر می‌رسد.

در قسمت اول چه دیدیم؟

در قسمت اول می‌بینیم که مثلا کیسوهفت سال پیش مرده ولی هنوز هم با این که همسرش امیر با شخصی دیگر ازدواج کرده، اما در زندگی امیر حضوری پررنگ دارد. موضوعی آشنا در ژانر وحشت که به نظر می‌رسد حداقل از جانب تماشاگران مورد استقبال قرار گرفته است؛ با این که این رضایت از احضار تناسبی با میزان فروش نسخه‌های این سریال ندارد.

در قسمت اول احضار البته مواردی چون نوع لباس پوشیدن جن و پری‌های فیلم هم طعنه‌ها و کنایه‌های بی‌پایانی را نصیب سازندگان سریال کرده است؛ اما در کل تا کنون بازتاب‌های احضار قابل قبول بوده و نشان از این داشته که می‌توان به قسمت‌های بعدی امیدبست.

بی‌بازیگر

یکی از جالب‌ترین نکات در مورد سریال احضار ترکیب بازیگران آن است؛ بازیگرانی که تقریبا تمام‌شان برای تماشاگر ناآشنایند و این در روز و روزگاری که سریال‌های شبکه نمایش خانگی در هر چه قطور ترکردن فهرست نام‌های بازیگران‌شان با هم رقابت می‌کنند، اتفاق عجیبی است؛ اتفاقی که کارگردان این سریال، رامین عباسی‌زاده، آن را عامدانه می‌داند: «در سینمای وحشت بازیگر شناخته‌شده جزو الزامات تولید فیلم نیست. ممکن است برخی آثار با حضور یک یا چند چهره شناخته‌شده تولید شده باشند، اما فیلم‌های زیادی هستند که با بهره‌گیری از چهره‌های ناشناخته ساخته شده‌اند؛ این مسأله باورپذیری آثار ترسناک را بیشتر می‌کند. وقتی بازیگری برای نخستین‌بار مقابل دوربین قرار می‌گیرد و در اثری ترسناک نقش‌آفرینی می‌کند، قطعا باورپذیری مخاطب نسبت به او بیشتر از بازیگری است که بارها و بارها در نقش‌های مختلف دیده شده است». این اتفاق البته در عین این که می‌تواند باورپذیری سریال را بیشتر کند، از این نظر که از مهم‌ترین عامل انگیزشی برای خرید آثار فرهنگی یا همان بازیگران چهره، بی‌بهره است، می‌تواند ریسکی مضاعف نیز به شمار آید؛ خصوصا این‌که ژانر وحشت خود یک ژانر ریسکی است و نداشتن بازیگران چهره هم این ریسک را مضاعف می‌کند. عباسی‌زاده در این مورد می‌گوید: «باید یک جایی این تابوی تجربه‌نکردن با ژانر ترس بشکند و راهی آغاز شود تا شاید تجربه آن چراغی در تاریکی برای زنده‌کردن ژانر ترس در ایران باشد. سریال احضار هم تجربه‌ای در همین جهت است که بدون استفاده از بازیگر چهره که به همذات‌پنداری بیشتر بینندگان با شخصیت‌ها کمک کند، وارد این مسیر شده است.

موفق یا ناموفق

پاسخ این پرسش چندان آسان نیست؛ به‌خصوص از این جهت که به‌رغم این‌که ژانر وحشت در ایران ژانر پرهواداری است و فیلم‌های ترسناک همیشه در بازار زیرزمینی جزو پرفروش‌ترین‌ها بوده‌اند، اما تعداد آثار ترسناک تلویزیون و سینمای ایران حتی به تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسد که این نشان از دشواری ساخت آثار ترسناک و عدم اطمینان سینماگران این دیار به سلیقه مخاطبان دارد و همین هم کار احضار را نیز دشوار جلوه می‌دهد. در کل تا کنون از نظر بازتاب مجازی احضار موفقیت خوبی ندارد، با این که همان‌گونه که گفته شد موارد‌ی چون پوشش و سیمای جن‌وپری‌ها انتقادات و شوخی‌هایی را نیز موجب شده است. کاربری در این مورد نوشته: «مگه میخوریدید؟ آخه چرا؟ بعد از شستن سر از روی روسری و کرم‌زدن از روی جوراب حالا وجود شیطان و جن و پری مخجبه در سریال احضار را می‌بینیم». اما می‌توان از این مورد گذشت و به موارد دیگری رسید؛ کاری که کاربر دیگری کرده و نوشته: «همه به جوری گیر دادن به حجاب روح و جن توی سریال احضار انگار تو این مملکت زندگی نمی‌کنن، بابا بی‌خیال چیکار می‌کردن؟» من که حال کردم، اصلا توقع نداشتم، شاید خیلی چیزاش، برداشتی از آنابل وجن گیر و کانجورینگ بود، ولی بازم خوب بود، به امید این که آبدوغ خیاری نشه». موضوعی که البته از سوی کاربرانی دیگر مورد انتقاد قرار گرفته: «قشنگ به چیزی از ژانر ترس‌شنیدن فقط»....

موزه ترس

این که در حدود ۹۰ سالی که از عمر سینمای ایران می‌گذرد، تنها یک فیلم موفق در عرصه فیلم ترسناک به نام شب بیست‌ونهم ساخته شده، نشان از دشواری‌های این راه دارد. دشواری‌هایی که موجب شده است فیلم‌هایی چون آل، رز زرد، خوابگاه دختران، اتیری، اقلیما، حریم، پستچی سه‌بار در نمی‌زند، یارکوی، خواب لیلا، زنگ‌ها، کلبه و حتی ماهی و گربه به‌جز رنگ شکست را نبینند. آیا احضار بر این طلسم چیره خواهد شد؟

ترایبون

مهدی طارمی در گفت‌وگو با خبرنگار اعزامی «شهروند» به امارات

درباره ۶ توضیح دادم، اما حاشیه درست کردند

من و سردار ندارد؛ یک ایرانی باید آقای گل شود

حسین قهار- دوبی| مهدی طارمی با این که در چند سال اخیر نوسانات زیادی در فوتبال باشگاهی خود داشته، در تیم ملی با اعتمادی که کی‌روش به او دارد، همواره جزو مهره‌های ثابت بوده است. این مهاجم که در بازی با یمن ۲ گل وارد دروازه حریف کرد، معتقد است بازی با عراق به‌دلیل باخت ۳کسال قبل از اهمیت بالایی برای کی‌روش و ملی‌پوشان برخوردار است. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار اعزامی «شهروند» به امارات را با مهدی طارمی در فاصله یک روز مانده تا رویارویی با عراق می‌خوانید.

• بازی تیم ملی با عراق از اهمیت بسیار زیادی برای مردم ایران برخوردار است. این تیم در دور قبل رقابت‌ها در ضربات پنالتی ایران را حذف کرد.

خود آقای کی‌روش هم به ما گفته برای این بازی باید بیشتر از توانمان تمرکز داشته باشیم و تلاش کنیم.

برای تمام اعضای تیم ملی هم خیلی مهم است که بتوانیم در این بازی به برتری برسیم. به‌هرحال، در استرالیا به تلخ‌ترین شکل ممکن و با بدشانسی مقابل عراق حذف شدیم و بعنوعی این بازی شکلی انتقامی هم برای ما دارد.

همان‌طور که گفتم برای کی‌روش هم خیلی مهم است که با عراق چه تیم دست و پا بسته‌ای است. دقیقا، همه این را می‌دانیم که عراق هم مثل همیشه یک تیم خوب در جام ملت‌های آسیا دارد. منتهی شرایط تیم ملی واقعا خوب بوده و با همدلی و اتحاد بازی به بازی به فکر موفقیت و قدم برداشتن به سمت هدف اصلی که قهرمانی در آسیاست، هستیم. ما خیلی باید حواسمان به عراقی‌ها باشد، چون واقعا تیم خوبی دارند. به همین دلیل کی‌روش تأکید دارد باید با تمرکز کامل با این تیم بازی کنیم. اولین هدف این است که برنده شویم و در گروه به مقام اول برسیم. آن باخت دور قبلی رقابت‌ها که خیلی برای ما زور داشت را باید جبران کنیم.

• بعد از گلزنی در بازی اول و نشان دادن عدد ۶ حاشیه‌های بسیار زیادی برای تو درست شد. هجمه‌های سنگینی به وجود آمد و فحاشی هم به سمت تو کم نبود.

سعید یکی از بهترین و تاثیرگذارترین بازیکنان تیم ملی در سال‌های اخیر بوده است. رفاقتی که بین بچه‌های تیم وجود دارد به معنای واقعی مثال زدنی است و یکی از متحدترین تیم‌های تاریخ فوتبال ایران هستیم. طبیعتا همه ما ناراحت هستیم که سعید جام ملت‌ها را به‌دلیل مصدومیت از دست داد. به همین دلیل همواره در اردو و حتی مسابقات به یاد هستیم و من هم گلم را در بازی اول به او تقدیم کردم.

• اما این اتفاق باعث چنین جنجال‌هایی شد.

دوست ندارم حرف دیگری درباره این موضوع بزنم، چون حاشیه می‌شود، اما توضیحی که برای شفاف‌سازی لازم بود را دادیم. آنهایی که دوست داشتند واقعیت را بدانند متوجه همه چیز شدند. بقیه چیزها دیگر بحث‌های حاشیه‌ای است که همیشه یک مسأله برای دامن زدن به آن باید وجود داشته باشد یا درست شود.

• آقای گلی به تو می‌رسد یا سردار آزمون؟ همکاری بسیار خوبی هم درون زمین با هم دارید. این درحالی است که این انتظار وجود داشت که خودخواهی مهاجم بودن شما شرایط دیگری را ایجاد کند.

هر فوتبالیست دیگری هم باشد قطعا دوست دارد به گل‌زدن فکر کند و آمار خود را بالاتر ببرد، ولی خدا شاهد است نه من و نه سردار هیچ‌کدام اول به این فکر نمی‌کنیم که خودمان به‌عنوان آقای گلی برسیم. اگر بخواهیم برای خودمان بازی کنیم آن وقت با کی‌روش طرف می‌شویم. پس باید کاملا در خدمت تیم باشیم. مهم‌ترین مسأله‌ای که کی‌روش هم روی آن تأکید دارد این بوده که همه باید برای موفقیت تیم تلاش کنند. هر کسی در هر جایگاهی که هست باید تمام فکرش روی موفقیت تیم ملی باشد، نه موفقیت خودش. الان هم بیشتر برای من یا حتی خود سردار مهم این است که تیم ملی در بازی‌های خود موفق شود و نتیجه بگیریم.

• حالا فکر می‌کنی خودت آقای گل می‌شوی یا سردار؟

هیچ چیزی معلوم نیست. مهم این است که من و سردار بشدت با هم هماهنگ شده‌ایم و در طول بازی همین مسأله دفاع حریفان را به دردسر می‌اندازد. من که شخصا دوست دارم یک نفر از تیم ملی ایران در صورت امکان عنوان آقای گلی را به دست بیاورد. آرزو و هدف ما کسب عنوان قهرمانی آسیا پس از سالیان سال ناکامی است. منتهی آقای گل هم یک نفر از بازیکنان تیم ملی باید باشد. اسمش مهم نیست. هر کسی باشد همه خوشحال می‌شوند. ولی این را هم بگویم که یک درصد هم به آقای گل شدن و تلاش برای آن فکر نمی‌کنیم. باز هم می‌گویم برای خود ما و سرمربی مهم‌ترین مسأله موفقیت تیم است.

• در بازی با عراق هم احتمالا ایرانی‌های زیادی در ورزشگاه حاضر خواهند شد.

امیدواریم که تماشاگران عزیز ایران ورزشگاه‌ها را پر کنند. همه با هم باید به سمت موفق شدن قدم برداریم. به‌هرحال در دو بازی قبلی استقبال تماشاگران کمتر از چیزی بود که انتظارش را داشتیم.

• قبول کن گرانی دلار هم بی‌تأثیر نبوده!

این که بله، ولی در دوبی هم ایرانی‌های خیلی زیادی زندگی می‌کنند که اگر ببینند یک صندلی هم در ورزشگاه خالی نمی‌ماند. قطعا با حضور آنها قدرت و روحیه ما هم بیشتر خواهد شد. امیدوارم از بازی عراق به بعد شاهد حضور تماشاگران ایرانی بیشتری در استادیوم باشیم.

ترایبون

علی فتح‌الله‌زاده: «ولا ترکاندن بمب در نقل و انتقالات یک تخصص است و قرار نیست هر کسی این کار را بلد باشد و انجام دهد. ما دوستان در استقلال بمب نمی‌خواهیم، ترکاندن هم بترکانند ما راضی هستیم. در ثانی آقای علی‌دایی دوست من هستید و من در این مدت از شما فقط حمایت کردم و به شما توصیه می‌کنم خطایی که آقایان افشارزاده و افتخاری در مورد من انجام دادند را انجام ندهید، چون به آنها یاد می‌دادند که به من حمله کنند، اما الان زمان این حرف‌ها نیست.»

رویداد

تلویزیون کلمبیا: فوستاتی، سرمربی جدید ایران!

در حالی که تیم‌ملی ایران با کارلوس کی‌روش به‌عنوان سرمربی در جام ملت‌های آسیا حضور دارد و به دنبال قهرمانی در این رقابت‌هاست، تلویزیون کلمبیا خبر عجیبی را منتشر کرده؛ سایت تلویزیون caraco نوشته است: «کی‌روش بعد از جام ملت‌های آسیا به‌عنوان سرمربی جدید تیم‌ملی کلمبیا معرفی خواهد شد و به همین دلیل فدراسیون ایران به دنبال جانشین برای او است. انتظار می‌رود کی‌روش در هفته‌های آینده سرمربی کلمبیا شود و فوستاتی جانشین او در تیم‌ملی ایران می‌شود. فوستاتی در کارنامه خود هدایت تیم‌ملی قطر و تیم باشگاهی الریان قطر را دارد.»